

برگهایی از تاریخ جنبش کارگری ایران (۲)

افشین شمس قهفرخی

میرزا محمد آخوندزاده (بهرام سیروس) (تولد ۱۲۶۲ خ. / ۱۸۸۹ م. - فوت ۱۳۵۸ خ. / ۱۹۸۱ م.)

میرزا محمد آخوندزاده که بعدها نام و فامیلش را به «بهرام سیروس» تغییر داد در آستارا متولد شد و به شغل معلمی اشتغال داشت. از خاستگاه طبقاتی و موقعیت اجتماعی خانواده اش اطلاعات چندانی در دسترس نیست. همچنین مشخص نیست چه زمانی به جنبش چپ و کارگری پیوسته. اما شواهد از این حاکی است که در جریان مبارزات مشترک کارگران ایرانی و آذری و ارمنی و انقلاب اکتبر روسیه وارد مبارزات کارگری شده است.

وی پس از تاسیس حزب کمونیست ایران (حکا) به این حزب پیوست. در جریان برگزاری «کنگره ملل شرق» * از جمله شرکت کنندگان هیئت ایرانی در این کنگره بود. وی به همراه «حیدر خان عمو اوغلی»، «آواتیس میکایلین (سلطان زاده مراغه ای)» و «کریم نیک بین» در جلسات علنی کنگره سخنرانی کرد. او در این سخنرانی موقعیت اجتماعی ایران و وضعیت توده های زحمتکش ایرانی را برای حضار تشریح نمود.

طی جریان کنگره دو جناح درونی حکا شدیداً با هم اختلاف نظر پیدا کردند: یک جناح به رهبری حیدر خان عمو اوغلی (جناح میانه رو)، مناسبات تولیدی در ایران را پیشاسرمایه داری می دانستند و اعتقاد داشتند طبقه کارگر از لحاظ جایگاه تولیدی در ایران بسیار ضعیف است و انقلاب ایران خصلت و محتوای سوسیالیستی ندارد. لذا اقدامات انجام شده توسط حکا در گیلان را چپ روانه ارزیابی می کردند. جناح دیگر تحت رهبری سلطان زاده (جناح چپ رو) قرار داشت که ایران را حلقه ای از حلقه های سراسری سرمایه داری جهانی می دید و معتقد به وجود نقش تعیین کننده طبقه ی کارگر در ایران و برپایی انقلاب سوسیالیستی بود (که نتیجه چنین ارزیابی کودتای مرداد ۱۲۹۹ خ. در رشت علیه جمهوری جنگل و میرزا کوچک خان و اقدامات افراطی در گیلان بود).

در این طیف بندی آخوند زاده به جناح میانه رو تعلق داشت. در پایان کنگره به دلیل عدم حل اختلاف هیئتی از سوی اعضا انتخاب شد تا با لنین در این رابطه مشورت کند. آخوندزاده و «کریم الله عیوض اوف» از جمله اعضای این هیئت حل اختلاف بودند. هیئت در اواخر شهریور ۱۲۹۹ خ. / سپتامبر ۱۹۲۱ م. به مسکو رفت. نتیجه ملاقات و بحث با لنین تغییر مشی حکا در راستای تحلیل جناح میانه رو و انتخاب یک کمیته مرکزی جدید بود که آخوند زاده نیز در آن عضویت داشت.

پس از شکست جنبش انقلابی در گیلان، آخوند زاده به همراه «داداش تقی زاده» و «صفر نوعی» (دو تن از فعالان کارگری آذربایجان) در گیلان باقی ماند و به سازماندهی اتحادیه های کارگری در شهر انزلی دست زد. از جمله این اتحادیه ها

ی کارگری می توان به اتحادیه باربران(حمالان)-صیادان و کرجی بانان اشاره کرد. اتحادیه کارگران باربر از بقیه تشکل ها فعال تر بود به طوری که آخوند زاده با کمک کارگران عضو این اتحادیه اقدام به تاسیس و راه اندازی اولین شرکت تعاونی مصرف نمود. این تعاونی مایحتاج خانواده های کارگران را با قیمت ارزان در اختیار این خانواده ها قرار می داد. از جمله دیگر اقدامات آخوند زاده و کارگران عضو اتحادیه ها ، اجاره یک قطعه زمین و کشت میوه و سبزی جات در آن بود. محصولات این زمین تماما" توسط کارگران و در هنگام اوقات فراغشان کشت و پرورش داده شده و پس از آن با قیمت بسیار ارزان در اختیار خانواده های کارگران انزلی قرار می گرفت. حتی اضافه بهای فروش جهت خرید نفت برای این خانواده ها به باکو فرستاده می شد(در شرایط قحطی و نبود نفت). در همین زمان آخوند زاده اقدام به تاسیس موسسه کوچکی کرده بود که با همین در آمدها سرپرستی ده نفر از کودکان یتیم را به عهده داشت.

با آغاز فعالیت های انتخاباتی مجلس پنجم (بهار ۱۳۰۱خ. ۱۹۲۲م.) آخوند زاده از سوی کارگران انزلی کاندیدای وکالت مجلس شد. با توجه به محبوبیت زیاد وی احتمال انتخاب شدنش از سوی مردم و کارگران انزلی زیاد بود به همین دلیل اشراف ، سرمایه داران و عوامل دولت در شهر به وحشت افتادند و طی توطئه ای زیر نظر وثوق السطنه در ۱۶ اردیبهشت ۱۳۰۱خ. آخوند زاده توسط نیروی قزاق دستگیر و مخفیانه به قلعه همدان تبعید شد.

وی در اثر افشاگری روزنامه های مترقی و فشار نیروهای چپ و کارگری در اواخر شهریور ماه همان سال آزاد گردید. اما این تنها بخشی از فعالیت طبقه حاکمه بود. طرفداران حکومت اشراف و سرمایه داران اقدام به تهدید و ترسانیدن دوستان و طرفداران آخوند زاده نمودند. برای مثال در منزل امام جمعه انزلی که از طرفداران وی بود اعلامیه بدون امضایی انداختند و او را تهدید کردند که وادارش خواهند ساخت تا استعفا دهد. میرزا محمد آخوند زاده پس از آزادی در «اتحادیه عمومی کارگران ایران» در تهران مشغول فعالیت شد ولی پس از مدتی به انزلی باز گشت و فعالیت های انتخاباتی خود را از سر گرفت. در این مورد اسناد تاریخی و مدارکی موجود است. از جمله یکی از اعلامیه های تبلیغاتی است که قسمت هایی از آن به شرح زیر می باشد:

«رنجبر روی زمین اتحاد

انتخابات انزلی

رفقا، کرجی بانان، حمالان، ماهی گیران، حلبی سازان، بنایان، بیکاران و عموم رنجبران و اصناف انزلی از قرار مسموع بازار انتخابات انزلی برای دوره ی پنجم مجلس در آتیه نزدیک مفتوح شد.

مفتخور ها و منتظرالوکاله ها و اشراف و اجانب مدت ها است که عمال بی شرف خود را به انزلی گسیل داشته و زمینه را برای اجرای مقاصد ننگین خود

حاضر می‌کند. این‌ها در مواقع انتخابات دوره سوم و چهارم از مظلومیت زارعین فلک زده و از عدم اتحاد کارگران استفاده کرده، با تهدید و شلاق در انتخاب شدن نامزدهای فرعون منش خود کم و بیش موفقیتی حاصل کرده‌اند...
رفقای عزیز ما باید وکیلی انتخاب کنیم که اشراف و عزیزان بی‌جهت را در پشت کرسی خطابه پارلمان ایران لرزانده و منافع حقیقی ملت و مملکت ما را در مقابل گرگان خونخوار مدافعه کند... آری این شخص محمد آخوند زاده عضو انجمن معارف بود که ایادی مغرضین از ما جدا کرده و به جرم آزادی خواهی یک سال تمام از مسکن و عائله اش تبعید نموده بودند...
آخوند زاده وکیل ما است و اهالی انزلی باید برای انتخاب او از هیچ‌گونه فداکاری خود داری ننمایند. ما وکیل با وجدان آزادیخواه زحمت کش غیر اشراف و جسور می‌خواهیم و آن آخوند زاده است...
اتحادیه مرکزی کارگران انزلی»

کارگران به کارزار منظم و کاملاً تشکیلاتی در جهت انتخاب آخوند زاده دست می‌زنند به طوری که احتمال انتخاب وی حتی از نماینده دولت (عمار لویی) هم بیشتر میشود. به همین دلیل او را مجدداً به اتهامی واهی دستگیر و در زندان رشت به زنجیر می‌کشند و پس از آن به زندان نارین قلعه اردبیل برده مدت‌ها در شرایط سختی زندانی می‌کنند. پس از آن وی را به تهران منتقل می‌نمایند (در حالی که دست و پایش در زنجیر بود).

وی پس از آزادی در تهران مشغول فعالیت شد و به عنوان عضو کمیته مرکزی اتحادیه عمومی کارگران ایران انتخاب می‌شود. اما در اثر یورش پلیس رضا خانی به حکا و اتحادیه‌های کارگری در اواخر سال ۱۳۰۴ خ/۱۹۲۵ م. به همراه ۱۵ نفر دیگر از فعالان کارگری و چپ‌مجبور شد مخفی شود. پس از آن و مخفیانه به شوروی مهاجرت و در شهر مسکو اقامت کرد.

آخوند زاده در جریان کنگره دوم حکا در اواسط آبان ۱۳۰۶ خ. / اوایل نوامبر ۱۹۲۷ م. به عضویت کمیته مرکزی انتخاب گردید. اما در اثر سرکوب و حمله پلیس رضاشاهی برای همیشه ایران را ترک کرد و در شوروی اقامت نمود. وی پس از استقرار در شوروی به فعالیت‌های مطالعاتی و فرهنگی دست زد. در این مورد شعری از وی به جامانده که به این شرح است:

کار و اداره! همین شده شعارم هر چه شود سخت کار، باک ندارم

آخوند زاده در جریان تصفیه‌های خونین استالینی مدت ۷ ماه به زندان افتاد اما شامل تصفیه‌ها نشد و نجات پیدا کرد. وی در سن ۹۶ سالگی در شهر دوشنبه تاجیکستان شوروی درگذشت.

میرزا محمد آخوند زاده از جمله فعالان برجسته و تاثیرگذار جنبش کارگری ایران بین سالهای ۱۳۰۰ تا ۱۳۰۶ خ. است او را بنیان‌گذار تعاونی در ایران می‌شناسند و همچنین اولین کاندیدای طبقه کارگر برای نمایندگی در مجلس.

عمده فعالیت‌های آخوند زاده در سازماندهی تشکل‌های کارگری گیلان و تهران بوده است. شیوه فعالیت وی در گیلان چنان بود که اتحادیه‌های کارگری این منطقه از لحاظ اقتصادی دارای برنامه‌های مشخص و منظمی بودند و از این لحاظ از دیگر تشکل‌های کارگری وضعیت بهتری داشتند به طوری که به اتحادیه‌های تهران و دیگر نقاط کمک مالی می‌نمودند. ابوالقاسم لاهوتی پس از دیدن عکس آخوند زاده در غل و زنجیر قطعه شعر مشهوری با عنوان «وحدت و تشکیلات» سرود که گویای وضعیت و افکار این فعال خستگی‌ناپذیر کارگری است.

توضیحات

*کنگره ملل شرق در روز چهارشنبه اول سپتامبر ۱۹۲۰م. ۹/ مرداد ۱۲۹۹ خ. در شهر بادکوبه آذربایجان شوروی تحت ریاست و نظارت «نریمان نریمانوف» (رییس کمیته انقلاب و صدر شوراهای آذربایجان) آغاز به کار کرد. هدف از برگزاری این کنگره بررسی موقعیت کشورهای شرق و طبقه کارگر در این کشورها، پی‌گیری انقلاب ملل مشرق زمین علیه سرمایه‌داری و مبارزه علیه بین‌الملل دوم (سوسیالیست) بود.

کنگره ۶ جلسه علنی داشت که نمایندگان کشورها در آن‌ها سخنرانی کردند تعداد شرکت‌کنندگان این کنگره ۱۸۹۱ نفر بود. هیئت ایرانی شرکت‌کننده در این کنگره ۱۹۲ نفر و تحت سرپرستی سلطان زاده و حیدر خان عمو اوغلی قرار داشتند. از جمله مسایل متناقض درون کنگره شرکت «انور پاشا» به عنوان نماینده ترکیه بود که از قضا یک ناسیونالیست افراطی ترک و قاتل ارمنه محسوب می‌شد و نماینده هیچ کدام از لایه‌های زحمتکش مردم ترکیه نبود. تنها نظر مخالف از سوی هیئت ایرانی و در بخش پایانی کنگره با فریاد «اوت پرسی نی پراوینو» (در مورد ایران صحیح نیست) ابراز شد. کنگره در پایان شورایی را تحت عنوان «شورای عملیات و تبلیغات شرق» انتخاب کرد که این شورا بعدها اقدام به تاسیس مدرسه کوتو نمود.

منابع:

- ۱- فصولی از تاریخ مبارزات سیاسی و اجتماعی در ایران- جنبش چپ ضیاالدین الموتی شرکت انتشاراتی چاپ پخش
- ۲- از دیدار خویشتن احسان طبری نشر بازتاب نگاره
- ۳- خاطرات دوران سپری شده یوسف افتخاری انتشارات فردوس
- ۴- آخرین سنگر آزادی- مجموعه مقالات میر جعفر پیشه‌وری در روزنامه حقیقت ارگان اتحادیه عمومی کارگران ایران ۱۳۰۱-۱۳۰۰ به کوشش رحیم ربیسی نیا نشر شیرازه
- ۵- شوروی و جنبش جنگل گریگوری یقیکیان به کوشش برزویه دهگان موسسه انتشارات نوین
- ۶- حیدر خان عمو اوغلی ج ۱ اسماعیل ربیین انتشارات جاویدان